



درس سوم

## الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَاباً فَيَبْسُطُهُ فِي

السَّمَاءِ...﴾ الرُّوم: ٤٨

خدا همان کسی است که بادهای را می‌فرستد و [بادهای] ابری را

برمی‌انگیزند و [خدا] آن [ابری] را در آسمان می‌گستراند.

## الدَّرْسُ الثَّالِثُ

## مَطَرُ السَّمَكَ

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَساقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟!  
 آیا باور می کنی که در روزی از روزها ماهی هایی را ببینی که پی در پی از آسمان می افتند؟

إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛

قطعا بارش باران و برف از آسمان، یک چیز طبیعی است

وَلَكِنْ أَيْمَكُنْ أَنْ تَرَى مَطَرَ السَّمَكَ؟!

ولی آیا ممکن است باران ماهی را ببینیم؟

هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟!

آیا گمان می کنی که آن باران، واقعی است و یک فیلم خیالی نیست؟

حَسَنًا فَانظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.

بسیار خوب پس به این تصاویر نگاه کن تا باور کنی



**أَنْظُرُ بَدِيقَةً؛ أَنْتَ تَشَاهِدُ** سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ **تُمْطِرُ** بَادِقَتِ نَظَاهِ كُنْ. **تَوَأْتَدُنْ مَاهِي هَا** از آسمان را مشاهده می کنی. **كُوَيْبِي** آسمان ماهی هایی را می بارد

أَسْمَاكًا. **يُسَمِّي** النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرُ السَّمَكِ». **حَيَّرَتْ** هَذِهِ الظَّاهِرَةَ **مَرْدَمِ** این پدیده طبیعی را «باران ماهی» می نامند.

النَّاسِ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا.

این پدیده سال های طولانی مردم را متحیر کرد و پاسخی برایش نیافتند

**يَحْدُثُ** «مَطَرُ السَّمَكِ» **سَنَوِيًّا** فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهُندُورَاسِ فِي **أَمْرِيكَا الْوُسْطَى**.

«باران ماهی هر ساله در جمهوری هندوراس در آمریکای مرکزی رخ می دهد»



**تَحْدُثُ** هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحيانًا. **فَيُشَاهِدُ** النَّاسُ عَيْمَةً سَوْدَاءَ

این پدیده گاهی دوبار در سال اتفاق می افتد **پس مردم، یک ابر سیاه بزرگ**

عَظِيمَةً وَرَعْدًا وَبَرْقًا وَرِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةِ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ **تُصْبِحُ**

ورعد و برق و بادهای قوی و باران شدیدی را به مدت دوساعت یا بیشتر ملاحظه می کنند سپس

الْأَرْضَ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ، **فَيَأْخُذُهَا** النَّاسُ لِطَبْخِهَا وَ تَنَاوُلِهَا.

زمین پوشیده از ماهی ها می شود سپس مردم آنها را برای پختن و خوردنشان می برند





حَاوَلِ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ؛ فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِيَزِيْرَةَ الْمَكَانِ  
 وَاَتَتْهُمْ اَنْ بَرَاي سَنَآخْتِن رَاز اَنْ پَدِيْدَه ي عَجِيْب كُوشِيْدَه نَد. سِيْس كُرُوْهِي رَا بَرَاي دِيْدِن مَكَان  
 وَ التَّعْرِيفِ عَلَيَّ الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَسَاقَطُ عَلَيَّ الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ، فَوَجَدْنَا  
 وَ سَنَآخْتِن مَاهِي هَائِي كِه بَعْدَ اَز اَيْن بَارَان هَائِي شَدِيْدِي پِي دَر پِي بَر زَمِيْن مِي اِفْتَنْد، فَرَسْتَاْدَنْد پَس دَرِيَاْفَنْد  
 اَنْ اَكْثَرَ الْأَسْمَاكِ الْمُنتَشِرَةِ عَلَيَّ الْأَرْضِ مِنْ نَوْعٍ وَاحِدٍ، وَلَكِنْ الْعَرَبِ فِي الْأَمْرِ اَنْ  
 كِه بِيْشْتَر مَاهِي هَائِي پَخْش شُدَه بَر رُوي زَمِيْن، اَز يَك نَوْعِ هَسْتَنْد. وَلِي نَكْتَه عَجِيْب كَار اَيْن اَسْت كِه  
 الْأَسْمَاكِ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةٌ بِالْمِيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ بَلْ بِمِيَاهِ الْمُحِيْطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ  
 مَاهِي هَا مُتَعَلِّقٌ بَه اَبْهَائِ مُجَاوِرِ نِيْسْتَنْد بَلَكِه مُتَعَلِّقٌ بَه اَبْهَائِ اَقْيَانُوسِ اَطْلَسِي هَسْتَنْد كِه بَه مَسَافَتِ  
 مَسَافَةِ مِئَتِيْ كِيْلُوْمَتْرِ عَن مَحَلِّ سُقُوْطِ الْأَسْمَاكِ.  
 دُوِيْسْت كِيْلُوْمَتْرِ اَز مَحَلِّ اَفْتَاْدَانِ مَاهِي هَا دُور مِي بَاشَد

ما هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟! يَحْدُثُ عِصَارٌ شَدِيْدٌ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكِ اِلَى  
 دَلِيْلِ تَشْكِيلِ اَيْن پَدِيْدَه چِيْسْت؟  
 كُرْدَبَاْد شَدِيْدِي رِخ مِي دَهْد وَ مَاهِي هَا رَا  
 السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَيَأْخُذُهَا اِلَى مَكَانٍ بَعِيْدٍ وَ عِنْدَمَا يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَتَسَاقَطُ عَلَيَّ الْأَرْضِ.

بَا قَدْرَتِ بَه اَسْمَانِ مِي كَشْد وَ اَنْهَارَا بَه مَكَانِي دُور مِي بَر دُور زَمَانِي كِه سَرْعَتِش رَا اَز دَسْت مِي دَهْد، پِي دَر پِي بَه زَمِيْن مِي اِفْتَنْد  
 يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهِنْدُوْرَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَيُسَمُّوْنَهُ «مِهْرَجَانَ مَطَرِ السَّمَكِ».  
 مَرْدَم دَر هِنْدُوْرَاسِ هَر سَالَه اَيْن رُوْز رَا جِشْن مِي كِيْرَنْد وَ اَنْ رَا «جِشْنُوْرَه بَارَان مَاهِي» مِي نَامَنْد

حیران کرد	مَاضِي حَيَّرَ	برانگیخت	مَاضِي أَثَارَ
کشید	مَاضِي سَحَبَ	جشن گرفت	مَاضِي اِحْتَفَلَ
نامید	مَاضِي سَمَى	شد	مَاضِي أَصْبَحَ
سیاه (مَوْنُثِ أَسْوَد)	سَوَدَاء	گردباد	إِعْصَار
سالانه	سَنَوِيّ	آمریکای مرکزی	أَمْرِيكَا الْوَسْطِيّ
باور کرد	مَاضِي صَدَّقَ	باران بارید	مَاضِي أَمَطَرَ
تا باور کنی	مَضَارِعُ حَتَّى تُصَدِّقَ	گستراند	مَاضِي بَسَطَ
پدیده «جمع: ظواهر»	ظَاهِرَة	دور شد	مَاضِي بَعَدَ
فیلم «جمع: أفلام»	فِلم	می‌بینی، ببینی	مَضَارِعُ تَرَى
ترکیب وصفی اقیانوس اطلس	الْمُحِيطُ الْأَطْلَسِيّ	پی در پی افتاد	مَاضِي تَساقَطَ
پوشیده، فرش شده بر وزن مفعول	مَفْرُوش	شناختن	التَّعَرَّفَ عَلَيّ
جشنواره	مِهْرَجَان	جمع مکسر برف، یخ «جمع: ثُلُوج» «برف‌ها»	ثَلْج
پایین آمدن، بارش	نُزُول	بسیار خوب	حَسَنًا

عَيْنُ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.  
صحيح و خطا را بر حسب متن درس مشخص کن

- ❌ ۱- يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهِنْدُوراس بِهَذَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَ يُسَمَوْنَهُ «مِهْرَجَانَ الْبَحْرِ».
- ✅ ۲- عِنْدَمَا يَفْقِدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَساقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَيّ الْأَرْضِ.  
زمانی که گردباد سرعتش را از دست می‌دهد، ماهی‌ها پی در پی به زمین می‌افتند
- ❌ ۳- يَتَسَمَّي الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ.  
دانشمندان از شناخت راز آن پدیده طبیعی عجیب ناامید شدند
- ✅ ۴- إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ الثَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيّ.  
قطعا بارش باران و برف از آسمان یک امر طبیعی است
- ❌ ۵- تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ.  
این پدیده ده بار در سال اتفاق می‌افتد

1. ثلاثی مجرد فعل‌هایی که صیغه مربوط به هو آنها سه حرف است (خَرَجَ)
2. ثلاثی مزید فعل‌هایی که صیغه مربوط به هو آنها علاوه بر سه حرف اصلی حروف زائد دارد (استَخْرَجَ)

## إِعْلَمُوا

### أَشْكَالُ الْأَفْعَالِ (۱) شِكْلِ هَايِ فَعْلِ هَا

فعل‌ها در زبان عربی بر اساس شکل «سوم شخص مفرد در فارسی» (مفرد مذکر غایب) به دو گروه تقسیم می‌شود.

**گروه اول:** فعل‌هایی که فقط از حروف اصلی تشکیل می‌شود.

**گروه دوم:** فعل‌هایی که علاوه بر حروف اصلی، حروف زائد دارد.<sup>۱</sup>

بیشتر فعل‌های «ماضی سوم شخص مفرد» که در متوسطه<sup>۲</sup> اول با آن آشنا شدید از سه حرف اصلی تشکیل می‌شد؛ مانند خَرَجَ، عَرَفَ، قَطَعَ و شَكَرَ.

«ماضی سوم شخص مفرد» برخی فعل‌ها نیز بیشتر از سه حرف است؛ مانند اِسْتَخْرَجَ، اِعْتَرَفَ، اِنْقَطَعَ و تَشَكَرَ.

در کتاب‌های عربی متوسطه<sup>۲</sup> اول تا حدودی با چنین فعل‌هایی آشنا شده بودید.

اکنون با فعل‌هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف است،

بیشتر آشنا شوید.

المصدر <sup>۲</sup> مصدر	الأمر	المضارع	الماضي سوم شخص مفرد مذکر
اِسْتَفْعَلْ	اِسْتَفْعِلْ	يَسْتَفْعِلُ	اِسْتَفْعَلَ
اِفْتَعَلَ	اِفْتَعِلْ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعَلَ
اِنْفَعَلَ	اِنْفَعِلْ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعَلَ
تَفَعَّلْ	تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ

باب اِسْتَفْعَال

باب اِفْتِعَال

باب اِنْفِعَال

باب تَفَعُّل

۱- تدریس مبحث ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید از اهداف آموزشی کتاب درسی نیست؛ لذا در امتحانات و کنکور سؤالی از آن طرح نمی‌شود.

۲- دانش‌آموز باید وزن فعل‌ها و مصدرهای این جدول را حفظ باشد و توانایی تشخیص آنها را داشته باشد.

مصدر	دوم شخص مفرد مذکر	سوم شخص مفرد مذکر	سوم شخص مفرد مذکر
الْمَصْدَر	الْأَمْر	الْمُضَارِع	الْمَاضِي
اِسْتَرْجَع: پس گرفتن	اِسْتَرْجَع: پس بگیر	يَسْتَرْجِع: پس می‌گیرد	اِسْتَرْجَع: پس گرفت
اِسْتَعْل: کار کردن	اِسْتَعْل: کار کن	يَسْتَعْل: کار می‌کند	اِسْتَعْل: کار کرد
اِنْفَتَح: باز شدن	اِنْفَتَح: باز شو	يَنْفَتَح: باز می‌شود	اِنْفَتَح: باز شد
تَخَرَّج: دانش‌آموخته شدن	تَخَرَّج: دانش‌آموخته شو	يَتَخَرَّج: دانش‌آموخته می‌شود	تَخَرَّج: دانش‌آموخته شد

### اِحْتَبَرْتُ نَفْسَكَ: خودت را بیازمای

### تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ. فعل‌های زیر را ترجمه کن

سوم شخص مفرد مذکر يَسْتَعْفِرُ: آمرزش می‌خواهد	سوم شخص مفرد مذکر اِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست	مضارع	ماضی
مصدر اِسْتِعْفَار: آمرزش خواستن	دوم شخص مفرد مذکر اِسْتَعْفِرْ: آمرزش بخواه	مصدر	امر
سوم شخص مفرد مذکر يَعْتَذِرُ: پوزش می‌خواهد	سوم شخص مفرد مذکر اِعْتَذَرَ: پوزش خواست	مضارع	ماضی
مصدر اِعْتِذَار: پوزش خواستن	دوم شخص مفرد مذکر اِعْتَذِرْ: پوزش بخواه	مصدر	امر
سوم شخص مفرد مذکر يَنْقَطِعُ: بریده می‌شود	سوم شخص مفرد مذکر اِنْقَطَعَ: بریده شد	مضارع	ماضی
مصدر اِنْقِطَاع: بُریده شدن	دوم شخص مفرد مذکر اِنْقَطِعْ: بریده شو	مصدر	امر
سوم شخص مفرد مذکر يَتَكَلَّمُ: سخن می‌گوید	سوم شخص مفرد مذکر تَكَلَّمَ: سخن گفت	مضارع	ماضی
مصدر تَكَلُّم: سخن گفتن	دوم شخص مفرد مذکر تَكَلَّمْ: سخن بگو	مصدر	امر

آنچه در یادگیری فعل‌ها مهم است شناسه‌هایی هستند که در سه سال گذشته با آنها آشنا شده‌اید.

یادآوری فعل ماضی که در پایه هفتم خواندید:

«تُ» در «فَعَلْتُ» (انجام دادم) مانند:

اِسْتَخْرَجْتُ   اِكْتَسَبْتُ   اِنْسَحَبْتُ   تَعَلَّمْتُ

«تَ» در «فَعَلْتَ» (انجام دادی) مانند:

اِسْتَخْرَجْتَ   اِكْتَسَبْتَ   اِنْسَحَبْتَ   تَعَلَّمْتَ

«-» «فَعَلَ» (انجام داد) مانند:

اِسْتَخْرَجَ   اِكْتَسَبَ   اِنْسَحَبَ   تَعَلَّمَ

«نا» در «فَعَلْنَا» (انجام دادیم) مانند:

اِسْتَخْرَجْنَا   اِكْتَسَبْنَا   اِنْسَحَبْنَا   تَعَلَّمْنَا

«تُم» در «فَعَلْتُمْ» (انجام دادید) مانند:

اِسْتَخْرَجْتُمْ   اِكْتَسَبْتُمْ   اِنْسَحَبْتُمْ   تَعَلَّمْتُمْ

«وا» در «فَعَلُوا» (انجام دادند) مانند:

اِسْتَخْرَجُوا   اِكْتَسَبُوا   اِنْسَحَبُوا   تَعَلَّمُوا





اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

اِشْتَغَلْ: کار کرد	اِشْتَغَلُوا: <b>کار کردند</b> ...
تَعَلَّمَ: یاد گرفت	تَعَلَّمْتُمْ: <b>یاد گرفتید</b> ...
انْقَطَعَ: بریده شد	انْقَطَعَتْ: <b>بریده شد</b> ...
اِسْتَخْفَرَ: آمرزش خواست	اِسْتَخْفَرْنَا: <b>آمرزش خواستیم</b>



یادآوری فعل مضارع که در پایه هشتم خواندید:

«أ» در «أَفْعَلُ» (انجام می‌دهم) مانند: اَسْتَخْرِجُ اَكْتَسِبُ اَنْسَحِبُ اَتَعَلَّمُ  
 «ت» در «تَفْعَلُ» (انجام می‌دهی) مانند: تَسْتَخْرِجُ تَكْتَسِبُ تَنْسَحِبُ تَتَعَلَّمُ  
 «ی» در «يَفْعَلُ» (انجام می‌دهد) مانند: يَسْتَخْرِجُ يَكْتَسِبُ يَنْسَحِبُ يَتَعَلَّمُ  
 «ن» در «نَفْعَلُ» (انجام می‌دهیم) مانند: نَسْتَخْرِجُ نَكْتَسِبُ نَنْسَحِبُ نَتَعَلَّمُ  
 «ت» + «ریشه» + «وَنَ» در «تَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید) مانند:

تَسْتَخْرِجُونَ تَكْتَسِبُونَ تَنْسَحِبُونَ تَتَعَلَّمُونَ

«ی» + «ریشه» + «وَنَ» در «يَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهند) مانند:

يَسْتَخْرِجُونَ يَكْتَسِبُونَ يَنْسَحِبُونَ يَتَعَلَّمُونَ

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

یَبْتَسِمُ:	لبخند می زند	یَبْتَسِمُونَ:	لبخند می زنند.....
يَتَكَلَّمُ:	سخن می گوید	نَتَكَلَّمُ:	سخن می گوییم.....
يُنْسَحِبُ:	عقب نشینی می کند	تَنْسَحِبُونَ:	عقب نشینی می کنید
يَتَعَلَّمُ:	یاد می گیرد	أَتَعَلَّمُ:	یاد می گیرم.....

### فِعْلُ الْأَمْرِ

در پایه نهم با فعل امر در سه وزن «افْعَلْ»، «افْعَلِ»، و «افْعُلْ» آشنا شدید؛ مثال:

تَسْمَعُ: می شنوی	اسْمَعُ: بشنو	تَنْزِلُ: پایین می آیی	انْزِلُ: پایین بیا
تَلْعَبُ: بازی می کنی	الْعَبُ: بازی کن	تَعْرِفُ: می شناسی	اعْرِفُ: بشناس
تَذْهَبُ: می روی	ادْهَبُ: برو	تَكْتُبُ: می نویسی	اُكْتُبُ: بنویس
تَعْمَلُ: کار می کنی	اعْمَلْ: کار کن	تَخْرُجُ: خارج می شوی	اُخْرَجُ: خارج شو
تَجْلِسُ: می نشینی	اجْلِسْ: بنشین	تَنْظُرُ: نگاه می کنی	انْظُرْ: نگاه کن



اکنون با شکل‌های جدیدی از فعل امر آشنا شوید.

تَسْتَغْفِرُ: آمرزش می‌خواهی      اِسْتَغْفِرُ: آمرزش بخواه

تَبْتَعدُ: دور می‌شوی      اِبْتَعدُ: دور شو

تَنْسَحِبُ: عقب‌نشینی می‌کنی      اِنْسَحِبُ: عقب‌نشینی کن

تَتَعَلَّمُ: یاد می‌گیری      تَعَلَّمُ: یاد بگیر

آنچه در یادگیری فعل‌ها مهم است، نشانه‌هایی هستند که در پایه نهم با آنها آشنا شده‌اید.

اِبْتَعدُوا عَنِ الْكَسَلِ؛ اِسْتَخدمُوا قُوَّتَكُمْ؛ تَعَلَّمُوا دُرُوسَكُمْ؛ لا تَنْسَحِبُوا عَن اَدَاءِ وَاجِبِكُمْ.

دوری کنید از تنبلی. بکار بگیرید نیرویتان را، یاد بگیرید درسهایتان را، عقب‌نشینی نکنید از انجام تکالیفتان





## یادآوری فعل امر که در پایه نهم خواندید:

- «نـ» در «اِفْعَلْ اِسْتَفْعَلْ اِفْتَعَلْ اِنْفَعَلْ تَفَعَّلْ» مانند:
- اِذْهَبْ اِسْتَخْرِجْ اِكْتَسِبْ اِنْسَجِبْ تَعَلَّمْ
- «ی» در «اِفْعَلِيْ اِسْتَفْعَلِيْ اِفْتَعَلِيْ اِنْفَعَلِيْ تَفَعَّلِيْ» مانند:
- اِذْهَبِيْ اِسْتَخْرِجِيْ اِكْتَسِبِيْ اِنْسَجِبِيْ تَعَلَّمِيْ
- «و» در «اِفْعَلُوا اِسْتَفْعَلُوا اِفْتَعَلُوا اِنْفَعَلُوا تَفَعَّلُوا» مانند:
- اِذْهَبُوا اِسْتَخْرِجُوا اِكْتَسِبُوا اِنْسَجِبُوا تَعَلَّمُوا
- «نَ» در «اِفْعَلْنَ اِسْتَفْعَلْنَ اِفْتَعَلْنَ اِنْفَعَلْنَ تَفَعَّلْنَ» مانند:
- اِذْهَبْنَ اِسْتَخْرِجْنَ اِكْتَسِبْنَ اِنْسَجِبْنَ تَعَلَّمْنَ
- «ا» در «اِفْعَلَا اِسْتَفْعَلَا اِفْتَعَلَا اِنْفَعَلَا تَفَعَّلَا» مانند:
- اِذْهَبَا اِسْتَخْرِجَا اِكْتَسِبَا اِنْسَجِبَا تَعَلَّمَا



## اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

اِنْتَظِرُوا: ..... منتظر شوید

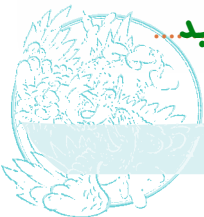
تَنْتَظِرُونَ: منتظر می شوید

تَعَجَّبِيْ: ..... تعجب کن

تَتَعَجَّبِينَ: تعجب می کنی

اِسْتَخْرِجْنَ: ..... خارج کنید

تَسْتَخْرِجْنَ: خارج می کنید



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

## جواز گفتگو

(في قِسْمِ الْجَوَازَاتِ فِي الْمَطَارِ)

در بخش گذرنامه هادر فرودگاه

الْمُسَافِرُ الْإِيرَانِيُّ  
مسافر ایرانی

شُرْطِيٌّ إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ  
پلیس اداره گذرنامه‌ها

نَحْنُ مِنْ إِيْرَانٍ وَ مِنْ مَدِيْنَةِ زَابِلٍ.  
ما از ایران و از شهر زابل هستیم

أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟  
خوش آمدید. از کدام کشور هستید؟

أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي.  
متشکرم ازت سرورم

مَرْحَبًا بِكُمْ. شَرَفْتُمُونَا.  
خوش آمدید و ما را مشرف فرمودید

أَحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ. الْعَرَبِيَّةُ جَمِيْلَةٌ.  
این زبان را دوست دارم. عربی زیباست

مَا شَاءَ اللَّهُ! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا!  
ما شاء الله عربی را خوب صحبت می‌کنی

سَتَّةُ: وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَحْوَايَ.  
شش نفر. پدر و مادرم، دو خواهرم و دو برادرم

كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ؟  
تعداد همراهان چندتاست؟

نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مَنَا بِطَاقَتِهِ بِيَدِهِ.  
بله، هر یک از ما کارت‌ش در دستش است

أَهْلًا بِالضُّيُوفِ. هَلْ عِنْدَكُمْ بَطَاقَاتُ الدُّخُولِ؟  
خوش آمد به مهمانان! آیا بلیط‌های داخل شدن دارید؟

عَلَى عَيْنِي.  
به روی چشم

الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْيَسَارِ لِلتَّفْتِيْشِ.  
مرد هادر سمت راست و زن هادر سمت چپ برای بازرسی

نَحْنُ جَاهِزُونَ.  
ما آماده ایم

رَجَاءً؛ اجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ.  
لطفاً گذرنامه‌هایتان را در دستانتان قرار دهید



- ۱- جواز: گذرنامه ۲- مَرْحَبًا بِكُمْ: خوش آمدید ۳- شَرَفْتُم: مشرف فرمودید ۴- مُرَافِق: همراه ۵- وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَحْوَايَ: پدر و مادرم، دو خواهرم و دو برادرم ۶- بِطَاقَةٌ: کارت، بلیت ۷- تَفْتِيْش: بازرسی ۸- جَاهِز: آماده



تمرین جمعی صحیح و غیر صحیح را بر حسب حقیقت و واقعیت مشخص کن

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✓ ✗

- ۱- الْمِهْرَجَانُ احْتِفَالٌ بِمُنَاسَبَةٍ جَمِيلَةٍ، كَمِهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مِهْرَجَانِ الْأَفْلَامِ.  **جشنواره جشنی به مناسبتی زیباست. مانند جشنواره گل ها و جشنواره فیلم ها**
- ۲- الثَّلْجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَطْ.  **برف نوعی از انواع بارش آب از آسمان است که فقط بر روی کوه‌ها می بارد**
- ۳- يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ بِالنُّورُوزِ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الشَّمْسِيَّةِ.  **ایرانی ها نوروز را بعنوان اولین روز از روزهای سال شمسی جشن میگیرند**
- ۴- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ.  **ماهی ها در رودخانه و دریا زندگی میکنند و انواع مختلفی دارند**
- ۵- الْأَعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ لَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ.  **گردباد، باد شدیدی است که از مکانی به مکان دیگر جا به جانی نمی شود**

جواب صحیح را مشخص کن

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- |             |                                                                                                                                                                   |
|-------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| باب انفعال  | ۱- الْمَاضِي مِنْ «يَقْطَعُ»: <input checked="" type="checkbox"/> انْقَطَعَ <input type="checkbox"/> قَطَعَ <input type="checkbox"/> تَقَطَّعَ                    |
| باب استفعال | ۲- الْمُضَارِعُ مِنْ «اسْتَرْجَعَ»: <input type="checkbox"/> يُرَاجِعُ <input type="checkbox"/> يَرْجِعُ <input checked="" type="checkbox"/> يَسْتَرْجِعُ         |
| باب تفعّل   | ۳- الْمَصْدَرُ مِنْ «تَعَلَّمَ»: <input type="checkbox"/> اسْتَعْلَمَ <input checked="" type="checkbox"/> تَعَلَّمَ <input type="checkbox"/> تَعْلِيمَ            |
| باب افتعال  | ۴- الْأَمْرُ مِنْ «تَسْتَمِعُ»: <input checked="" type="checkbox"/> اسْتَمِعَ <input type="checkbox"/> تَسَمَّعَ <input type="checkbox"/> اسْمَعُ                 |
| باب افتعال  | ۵- النَّهْيُ مِنْ «تَحْتَفِلُ»: <input type="checkbox"/> مَا احْتَفَلَ <input type="checkbox"/> لَا تَحْتَفِلُ <input checked="" type="checkbox"/> لَا تَحْتَفِلْ |
| باب افتعال  | ۶- الْمُسْتَقْبَلُ مِنْ «يَتَسِمُّ»: <input checked="" type="checkbox"/> سَيَبْتَسِمُ <input type="checkbox"/> ابْتِسَامَ <input type="checkbox"/> ابْتِسِمَ      |

۱- لَا تَنْتَقِلُ: جَاهَهُ جَاهِي شُود

آیه ها و حدیث ها را ترجمه کن سپس نوع فعل ها را مشخص کن (اگر موجود بود)  
 التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْحَدِيثَيْنِ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ. (إِذَا كَانَ موجوداً)

مضارع

ماضی

۱- ﴿فَاسْتَغْفِرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ إِلَّا اللَّهُ﴾ آل عمران: ۱۳۵

پس برای گناهانشان آمرزش خواستند و چه کسی به غیر از خداوند گناهان را می آمرزد

امر

امر

۲- ﴿فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَضِرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ﴾ یونس: ۲۰

پس بگو غیب فقط برای خداست پس منتظر بمانید زیرا من به همراه شما از منتظرانم

امر

مضارع

امر

۳- ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ...﴾ الْمَزْمَل: ۱۰

و بر آنچه می گویند صبر کن و آنها را ترک کن

ماضی

ماضی

۴- النَّاسُ نِيَامٌ؛ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا<sup>۲</sup>. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

مردم خفتگان هستند. پس هر گاه بمیرند بیدار می شوند

۵- إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ<sup>۳</sup> وَالْبَهَائِمِ<sup>۴</sup>. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

قطعا شما مسؤول هستید حتی در مقابل قطعه های زمین و چهارپایان



سنگ قبر بانو دکتر آنه ماری شیمیل اسلام پژوه، خاورشناس و مولوی شناس آلمانی

آراسته به حدیث رسول الله ﷺ

- ۱- نیام: خفتگان (مفرد: نائم)      ۲- انْتَبَهَوْا: بیدار شدند (بیدار شوند)      ۳- بِقَاع: قطعه های زمین  
 (مفرد: بُقْعَة)      ۴- بهائم: چهارپایان

## در دایره عدد مناسب قرار بده «یک کلمه اضافه است»

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ.»

- |                                      |                                                                                               |
|--------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------|
| <input type="radio"/> ۱- الْمَسْجِدُ | <input type="radio"/> يَدْرُسُ فِيهِ الطُّلَابُ.                                              |
| <input type="radio"/> ۲- الْمَشْمَشُ | <input type="radio"/> دَانِشْ اَمُوزَانْ دَر اَن دَرَسْ مِی خُوانند                           |
| <input type="radio"/> ۳- الْيَبُوعُ  | <input type="radio"/> عَيْنُ الْمَاءِ وَ نَهْرٌ كَثِيرُ الْمَاءِ.                             |
| <input type="radio"/> ۴- الْمَوْتُ   | <input type="radio"/> چِشمه آب ورودی پر آب                                                    |
| <input type="radio"/> ۵- الْاَلِيلُ  | <input type="radio"/> فَاكِهَةٌ بِاَكْلِهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةٌ اَيْضًا.                     |
| <input type="radio"/> ۶- الْاَصْفُ   | <input type="radio"/> میوه ای که مردم آن را خشک هم میخورند                                    |
|                                      | <input type="radio"/> بَيْتٌ مُقَدَّسٌ لِادَاءِ الصَّلَاةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ.             |
|                                      | <input type="radio"/> خانه ای مقدس برای بجا آوردن نماز، نزد مسلمانان                          |
|                                      | <input type="radio"/> الْوَقْتُ الْمُمْتَدُّ مِنْ مَغْرَبِ الشَّمْسِ اِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ. |
|                                      | <input type="radio"/> وقت طولانی از غروب خورشید تا طلوع سپیده دم                              |

## کلمات مترادف و متضاد را مشخص کن

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ. = ≠

نازل کرد شد جشن بالا برد بالا رفتن شد جشنواره پایین آمدن

أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَفَلَةَ / رَفَعَ / صُعُودَ / صَارَ / مِهْرَجَانَ / نَزُولَ

آنزل # رفَع / اصبح = صار / حفلة = مهرجان / صعود # نزول

## در جاهای خالی فعل مناسب قرار بده

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ فِعْلًا مُنَاسِبًا.

- |                                                                                |                                                   |                                                                                   |
|--------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------|
| <input checked="" type="checkbox"/> ۱- فَاصْبِرْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَ | <input type="checkbox"/> اِسْتَرْجِعْ             | ۵۵ غافِر: پس صبر کن قطعاً وعده خدا حق است و امرزش بخواه برای گناهت                |
| <input type="checkbox"/> ۲- اِنْ شَاءَ اللّٰهُ فَسَوْفَ                        | <input checked="" type="checkbox"/> نَتَخَرَّجُ   | ۲- اِنْ شَاءَ اللّٰهُ فَسَوْفَ ..... كُنَّا مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَنَتَيْنِ. |
| <input type="checkbox"/> ۳- اِلٰهِي قَدْ                                       | <input checked="" type="checkbox"/> اِنْقَطَعْتُ  | اگر خدا بخواهد همه ما بعد از دو سال از مدرسه دانش اموخته خواهیم شد                |
| <input type="checkbox"/> ۴- كَانْ صَدِيقِي                                     | <input checked="" type="checkbox"/> يَنْتَظِرُ    | ۳- اِلٰهِي قَدْ ..... رَجَائِي عَنِ الْخَلْقِ، وَ اَنْتَ رَجَائِي.                |
| <input type="checkbox"/> ۵- اَنَا وَ زَمِيلِي                                  | <input checked="" type="checkbox"/> اِسْتَلَمْنَا | خدا ی من امیدم از مردم قطع شد (قطع شده است)، و تو امید من هستی                    |
|                                                                                | <input checked="" type="checkbox"/> اِسْتَلَمْتُ  | ۴- كَانْ صَدِيقِي ..... وَالِدُهُ لِلرُّجُوعِ اِلَى الْبَيْتِ.                    |
|                                                                                |                                                   | دوستم برای برگشتن به خانه منتظر پدرش می ماند                                      |
|                                                                                |                                                   | ۵- اَنَا وَ زَمِيلِي ..... رَسَائِلَ عِبْرٍ الْاِنْتَرْنِتِ.                      |
|                                                                                |                                                   | من و همکلاسی ام نامه هار از طریق اینترنت دریافت کردیم                             |

۱- عَبَّرَ: از راه

☆ أَنْوَارُ الْقُرْآنِ ☆

پاسخ صحیح را در ترجمه فارسی انتخاب کن

إِنْتِخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.

۱- ﴿وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يِنَّاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ يوسف: ۸۷

و از رحمت خدا ناامید نشوید  نشدند  ؛ زیرا جز مردم کافر کسی از رحمت خدا ناامید نشده است  نمی شود  .

۲- ﴿أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ النحل: ۱۲۵

با دانش و فرمان  اندرز  نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنان به [شیوه‌ای] که خوب  بهتر  است گفت‌وگو کن.

۳- ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي﴾ البقرة: ۱۵۲

پس ما را  مرا  یاد کنید؛ تا شما را یاد کنم و از من سپاس‌گزاری کنید  شکرگزاری کنید  .

۴- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾

خدا به کسی جز به اندازه توانش  درخواستش  تکلیف نمی‌دهد؛

۵- ﴿لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾ البقرة: ۲۸۶

هرکس آنچه را که [از خوبی‌ها] کسب کرده، به سودش  زیانش  است، و آنچه را [نیز که از بدی‌ها] کسب کرده، به سودش  زیانش  است.

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِحْتِ عَنْ قِصَّةِ فَرَانِيَّةٍ قَصِيرَةٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتَرِنْتِ أَوْ مَجَلَّةٍ أَوْ

كِتَابٍ وَ تَرْجِمَهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.

در اینترنت یا مجله یا کتابی دنبال داستان کوتاهی به زبان عربی بگرد و به کمک لغت نامه عربی

به فارسی آن را به فارسی ترجمه کن

